

اقتصاد

روزنامه صبح ایران



بورس ۱۴۰۵ به کدام سو می‌رود؟

جدال موشک و معامله

صفحه ۵

تخریب مجتمع‌های فولاد باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود

دوران سخت اقتصاد ایران در جنگ فرسایشی

صفحه ۵

درگیری وارد مرحله جدید می‌شود یا توافق در راه است؟

تیک‌تاک ساعت جنگ

به زیرساخت‌های غیرنظامی ایران و همچنین تلافی علیه تأسیسات انرژی و آب در کشورهای خلیج خواهد بود.

به نوشته واشینگتن پست، دونالد ترامپ تهدیدهای خود برای هدف قرار دادن زیرساخت‌های ایران را در صورت باز نکردن تنگه هرمز افزایش داد و روز یکشنبه در پیامی پر از الفاظ توهین آمیز در شبکه‌های اجتماعی ادعا کرد که این کشور «در جهنم زندگی خواهد کرد.» او بعداً نیز مدعی شد که ایالات متحد می‌تواند «هر نیروگاهی» را در کشور هدف قرار دهد؛ حمله‌ای که کارشناسان هشدار دادند که می‌تواند به جنایات جنگی منجر شود.

این تهدید رکیک که در صبح عید پاک، چند ساعت پس از آن‌که پاپ لئو چهاردهم از کشورها خواست راه صلح را انتخاب کنند، منتشر شد، نشان‌دهنده بروز تنش‌هاست،

شرح در صفحه ۲

تلوویزیون در نیمه دوم سال پرتافاق ۱۴۰۴	نبض آمار از زمان تخلیه شوک تورم انرژی	موشک هایی که به سمت ایران آمده‌اند سلامت جهانی را هدف گرفت
افزایش مخاطب در غیاب اینترنت	رکورد بالاترین نرخ بنزین آمریکا و اروپا	جهان باید نگران باشد
صفحه ۲	صفحه ۴	صفحه ۳



به‌قلم: فهیمه نظری

سخن نخست

ما را دقیقاً به کدام «عصر حجر» برمی‌گردانی، آقای ترامپ؟!

در سال ۱۴۹۲ میلادی، زمانی که کریستف کلمب برای نخستین بار به قاره آمریکا با گذاشت و آن سرزمین هنوز موطن بومیان بود و نه مهاجران اروپایی، بیش از دو هزار سال از نگارش منشور کوروش می‌گذشت... دونالد ترامپ بامداد ۱۳ فروردین به وقت تهران، در سخنانی درباره جنگ جاری میان کشورش و ایران، تهدید کرد: «ما طی دو

راهکارهای پیشنهادی برای حفظ اصناف و صیانت از جان شهر

الزامات مدیریت اقتصاد صنفی در شرایط جنگی

این دلیل نیست که واحدهای صنفی درآمد ایجاد می‌کنند یا مالیات می‌پردازند؛ بلکه به این دلیل است که آن‌ها بستر تداوم زندگی شهری هستند.

پنج محور الزامی سیاست حمایتی از اصناف

در این چارچوب، سیاست حمایت از اصناف باید حداقل بر پنج محور استوار باشد:

نخست، تعلیق و توقف فشارهای مالی و مالیاتی، بیمه‌ای، بانکی و اجرایی علی‌الخصوص عدم اجرای افزایش مالیات بر ارزش افزوده از ابتدای سال ۱۴۰۵؛

دوم، جلوگیری از تعطیلی حقوقی و قراردادی واحدهای صنفی، به‌ویژه از مسیر توقف موقت اجرای احکام تخلیه؛ سوم، تأمین هدفمند سرمایه در گردش از طریق تسهیلات کوتاه مدت و کم بهره، بدون نیاز به وثیقه سنگین به واحدهای صنفی آسیب دیده؛

چهارم، فعال‌سازی واقعی اتحادیه‌های صنفی و اتاق‌های اصناف به‌عنوان بازوی میدانی مدیریت بحران؛ پنجم، پشتیبانی از شبکه توزیع و لجستیک شهری به‌منظور جلوگیری از گسست در دسترسی مردم به کالا و خدمات.

در این میان، نقش نهادهای صنفی اهمیت ویژه‌ای دارد. اتحادیه‌ها و اتاق‌های اصناف در چنین وضعیتی نباید صرفاً در چارچوب‌های متعارف اداری باقی بمانند. آن‌ها باید با تشکیل ستادهای مدیریت بحران به کانال اصلی انتقال اطلاعات میدانی، شناسایی واحدهای در معرض تعطیلی، بررسی و اولویت‌بندی مشکلات، و مشارکت و نظارت در توزیع و اجرای حمایت‌ها تبدیل شوند. تصمیم‌گیری درباره اقتصاد صنفی بدون اتکا به اطلاعات کف بازار، ناگزیر یا با تأخیر انجام می‌شود یا از دقت لازم برخوردار نخواهد بود.

در نهایت، باید پذیرفت که مدیریت اقتصاد صنفی در شرایط جنگی، آزمونی برای کیفیت حکمرانی اقتصادی نیز هست. اگر سیاست‌گذار بخواهد با قواعد عادی، بوروکراسی

عادی و زمان‌بندی عادی، یک وضعیت بحرانی را اداره کند، عملاً بخشی از بحران را خود بازتولید خواهد کرد. اقتصاد صنفی در چنین شرایطی، بیش از هر چیز، به سرعت تصمیم، سادگی اجرا و درک واقعیت میدانی نیاز دارد.

جمع‌بندی آنکه حفظ اصناف و ظرفیت فعالیت واحدهای صنفی در شرایط جنگی، یک مداخله حاشیه‌ای یا بخشی نیست؛ بلکه یک الزام حاکمیتی است. اقدامی است در جهت صیانت از شبکه توزیع کالا و خدمات، حفاظت از اشتغال، پایداری زندگی روزمره و حفظ نشاط عمومی شهر. اگر اصناف از نفس بیفتند، فقط بازار آسیب نمی‌بیند؛ بلکه شهر از تیش می‌افتد.

از این رو، راهبرد درست آن است که دولت، پیش از هر چیز، موانع ادامه فعالیت را از پیش پای اصناف بردارد، فشارهای غیرضروری را تعلیق کند، شبکه توزیع را تقویت کند و اجازه دهد خاموشی تدریجی واحدهای صنفی به خاموشی تدریجی زندگی شهری بینجامد.

در شرایط جنگی، صیانت از اصناف، صرفاً حمایت از کسب‌وکار نیست؛ حفاظت از جان شهر است.



«فقدان امکان نفس کشیدن زیر بار تعهدات» است. واحد صنفی‌ای که با افت فروش، فشار اجاره، مالیات، بیمه، بدهی بانکی و احتمال چک برگشتی مواجه است، پیش از آنکه به وام جدید نیاز داشته باشد، به تنفس حقوقی و مالی نیاز دارد.

بر همین اساس، نخستین و مهم‌ترین اقدام دولت در مدیریت اقتصاد صنفی در شرایط جنگی باید تعلیق فوری و موقت فشارهای مالی، بیمه‌ای، مالیاتی، بانکی و اجرایی علیه واحدهای صنفی باشد. توقف عملیات اجرایی مالیاتی، عدم اجرای افزایش مالیات بر ارزش افزوده از ابتدای سال ۱۴۰۵، تعویق یا تقسیط بدهی‌های بیمه‌ای، امهال اقساط بانکی، تعلیق محدودیت‌های ناشی از چک‌های برگشتی و توقف اجرای فوری احکام تخلیه، از جمله اقداماتی است که می‌تواند بدون تحمیل هزینه سنگین بودجه‌ای، به‌سرعت از موج تعطیلی واحدها جلوگیری کند. مزیت این رویکرد آن است که اثر آن فوری است، قابلیت اجرای اداری بالایی دارد و قبل از هر مداخله پرهزینه‌ای، حداقل امکان بقا را برای بنگاه صنفی حفظ می‌کند.

اصناف، جان شهر...

با این حال، نگاه به اصناف نباید صرفاً به تأمین نیازهای ضروری محدود شود. یکی از نکاتی که در سیاست‌گذاری بحران کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، نقش اصناف در حفظ نشاط عمومی شهر و حفظ اشتغال است. شهر فقط با ادارات، زیرساخت‌ها و حضور نهادهای رسمی زنده نمی‌ماند؛ شهر با جریان داشتن زندگی روزمره زنده است. روشن بودن چراغ مغازه‌ها، باز بودن رستوران‌ها و کافه‌ها، فعال بودن کتاب‌فروشی‌ها، خدمات محلی، رفت‌وآمد در بازارها و تداوم تعاملات روزمره، همگی بخشی از احساس زندگی در شهر را می‌سازند. در شرایط جنگی، حفظ همین نشانه‌های زندگی عادی، برای کاهش اضطراب جمعی و تقویت امید اجتماعی اهمیت دارد.

از این حیث، اصناف را باید جان شهر دانست. اگر این جان تضعیف شود، شهر هرچند از نظر فیزیکی پابرجا بماند، از نظر اجتماعی و روانی دچار فرسایش می‌شود. بنابراین، دولت باید با به‌کارگیری همه ابزارهای در اختیار خود، از باز ماندن اصناف حمایت کند. این حمایت، فقط به

نقدینگی روزانه و دسترسی محدود به منابع مالی رسمی و بانکی فعالیت می‌کنند. در چنین ساختاری، هر اختلالی در فروش، حمل‌ونقل، تأمین کالا، رفت‌وآمد شهری یا قدرت خرید مردم، می‌تواند به‌سرعت تعادل مالی یک واحد صنفی را بر هم بزند. این واحدها برخلاف بنگاه‌های بزرگ،

نه ذخایر نقدی قابل‌انکا دارند، نه امکان تحمل دوره‌های طولانی رکود، و نه ابزارهای متنوعی برای انتقال ریسک و تعطیلی. هر واحد صنفی که تعطیل شود، مستقیماً به بیکاری و تضعیف معیشت جامعه منجر می‌شود. افزون بر این، واحد صنفی در زمان بحران فقط با مشکل بازار مواجه نیست؛ بلکه با تداوم تعهدات نیز روبه‌روست. اجاره‌بها، حقوق و دستمزد، حق بیمه، مالیات، اقساط بانکی، بدهی تأمین‌کنندگان و تعهدات ناشی از چک، حتی در زمانی که فروش افت کرده یا فعالیت مختل شده، همچنان باقی می‌ماند. همین واقعیت است که در شرایط جنگی، بسیاری از واحدهای صنفی را نه از محل ضعف تقاضا، بلکه از محل فشار هزینه‌های ثابت و تعهدات جاری به مرز تعطیلی می‌رساند.

به بیان دیگر، فشار بر اصناف در اقتصاد جنگی معمولاً حاصل هم‌زمانی سه ضربه است: نخست، ضربه عرضه ناشی از اختلال در زنجیرهٔ تأمین، لجستیک، انرژی یا دسترسی به مواد اولیه؛ دوم، ضربه تقاضا ناشی از کاهش قدرت خرید، تغییر الگوی مصرف و نااطمینانی خانوارها؛ و سوم، ضربه نهادی ناشی از تداوم فشارهای مالی، بانکی، بیمه‌ای و اداری در وضعیتی که بازار دیگر با قواعد عادی کار نمی‌کند. آنچه شرایط را برای اصناف بحرانی‌تر می‌کند، دقیقاً همین ضربه سوم است؛ یعنی جایی که ساختار اداری و مالی کشور، بدون درک اقتضائات وضعیت جنگی، همان منطق عادی را بر واحد صنفی تحمیل می‌کند.

تنفس حقوقی و مالی: اولویت اول

از این رو، مهم‌ترین خطای سیاستی در مواجهه با اقتصاد صنفی آن است که تصور شود راه‌حل اصلی، صرفاً در اعلام بسته‌های تسهیلاتی یا حمایت‌های اعتباری خلاصه می‌شود. بی‌تردید، تأمین سرمایه در گردش برای بخشی از اصناف ضروری است؛ اما در مرحله نخست، مسئله اصلی بسیاری از واحدها «نبود پول برای توسعه» نیست، بلکه

اخبار

یاوه‌گویی‌های ترامپ صدای رهبر اقلیت سنای آمریکا را در آورد



رهبر اقلیت مجلس سنای آمریکا با اشاره به تهدیدات رئیس‌جمهور این کشور علیه ایران گفت که او «مانند یک دیوانه افسارگسیخته یاوه‌گویی می‌کند.»

به گزارش برنا، «چاک شومر» رهبر اقلیت مجلس سنای ایالات متحده شامگاه یکشنبه در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «آمریکا، عید پاک مبارک! در حالی‌که شما به کلیسا می‌روید و با دوستان و خانواده جشن می‌گیرید، رئیس‌جمهور ایالات متحده مانند یک دیوانه افسارگسیخته در رسانه‌های اجتماعی یاوه‌گویی می‌کند.» شومر تأکید کرد: «او تهدید به جنایات جنگی احتمالی می‌کند و متحدان را از خود بیگانه می‌سازد.»

رهبر اقلیت مجلس سنا در پایان افزود: «او اینگونه است، اما ما اینگونه نیستیم. کشور ما لیاقت خیلی بهتر از این را دارد.»

مجروح شدن ۱۰ صهیونیست در حيفا بر اثر اصابت موشک ایرانی



رسانه‌های عبری اذعان کردند که در پی اصابت یک موشک ایرانی به ساختمانی در شهر حيفا، ۱۰ صهیونیست زخمی شده‌اند.

به گزارش برنا، رسانه‌های اسرائیلی گزارش دادند، بر اثر اصابت یک موشک ایرانی به ساختمانی ۵ طبقه در شهر حيفا، این ساختمان فرو ریخته و دست‌کم ۱۰ صهیونیست زخمی شده‌اند.

روزنامه «اسرائیل هیوم» اعلام کرد که نیروهای آتش‌نشانی و امداد همچنان در حال جست‌وجو برای یافتن ۳ مفقود در داخل ساختمان هدف قرار گرفته در حيفا هستند. این روزنامه همچنین افزود که در میان مجروحان، افرادی با جراحات شدید نیز وجود دارند. منابع نظامی صهیونیستی نیز اذعان کردند که ارتش اسرائیل تلاش کرده است این موشک را با استفاده از چند موشک رهگیری کند، اما پیش از اصابت به ساختمان موفق به رهگیری آن نشده است.